

**Predigt an Heiligabend, am 24.12.2023,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

بله، جامعه عزیز، "قلب کریسمس" چیست؟ این سوال اصلی در بازی مولودی کودکان بود. قلب مهمترین عضو بدن ماست. تا به امروز، با وجود تمام پیشرفت های پزشکی، این نمی تواند در دراز مدت جایگزین شود به طور معمول ما آن را نمی بینیم و بیشتر اوقات حتی متوجه کار حیاتی آن در پس زمینه نمی شویم. اما گاهی اوقات ما آن را نیز احساس می کنیم: زمانی که پر از ترس، تلاش یا شادی است - یا زمانی که به دلیل استفاده زیاد از آن برای مدت طولانی دچار لغزش می شود. گاهی اوقات نیز این احساس را داریم که قلبمان می ایستد به دلیل ترس یا در موقعیت های شوک. این به ما ایده می دهد که چقدر این اندام در بدن ما مهم است.

کتاب مقدس اغلب از قلب صحبت می کند. در دنیای آنها قلب مرکز وجود انسان است. همه چیز در اینجا جمع می شود: فکر کردن، احساس کردن و خواستن. قلب نیز جایگاه عقل است. امروزه ما تمایل داریم آنها را به سر، مغز اختصاص دهیم. اما برای مردم در دوران کتاب مقدس، قلب عضو حیاتی انسان بود - نه به عنوان ماهیچه ای که باید به گونه ای عمل کند که بتوانیم سالم زندگی کنیم، بلکه در یک مفهوم جامع و حتی اجتماعی. قلب کاملاً مرکزی است، نقطه محوری که بدون آن هیچ چیز کار نمی کند.

پس "قلب کریسمس" چیست؟ اگر بخواهیم در این مورد در منطقه عابر پیاده نظرسنجی انجام دهیم، مطمئناً پاسخ های بسیار متفاوتی خواهیم گرفت. از آنجا که کریسمس هنوز برای اکثر مردم در آلمان بسیار مهم است - حتی اگر آنها هیچ کاری (یا دیگر) با خدا، کلیسا یا ایمان نداشته باشند یا در واقع از نظر مذهبی متفاوت باشند. خیلی ها مطمئناً می گویند: برای من، فضای جشن و خانواده قلب کریسمس است. من هم فکر می کنم این مهم است. اما پس از آن کسانی که در کریسمس تنها هستند چه؟ پیرزنی در خانه سالمندان با چنین کریسمسی که فرزندان و نوه هایش به دلیل زندگی بسیار دور یا ترجیح می دهند در تعطیلات به بار خانواده ها در کریسمس آفتاب یا برف سفر کنند، ملاقات نمی کنند، چه باید بکند؟ و چند وقت یک بزرگترین مشاجره ها را دارند، زیرا همه انتظارات زیادی از یکدیگر، خلق و خوی و جشنی هماهنگ و آرام دارند؟ آیا این می تواند «قلب کریسمس» باشد؟

زنی به من گفت که در کریسمس چه سنت هایی در خانواده خود داشتند. این او را در کودکی بسیار خوشحال می کرد و او این کار را با فرزندانش ادامه می داد. و سپس با گریه گزارش داد که پسرش دیگر نمی خواهد این کار را در خانواده خود با نوه هایش ادامه دهد و اکنون سنت های کاملاً متفاوتی معرفی شده است. اما آیا همه بچه های بزرگ ما وقتی کریسمس خود را با شریک زندگی یا فرزندانشان جشن می گیرند، نباید سنت های خود را توسعه دهند؟ آیا واقعاً آیین های نسل پدربزرگ و مادربزرگ می تواند «قلب کریسمس» باشد؟

مطمئناً برخی از مصاحبه شوندگان در منطقه عابر پیاده در مورد هدایا و غذاهای جشن صحبت می کنند. این بدون شک جنبه زیبای کریسمس است. اما اگر آن را با یک نفر مقایسه کنم، آن را بیشتر به عنوان بخشی از آرایش او به حساب می آورم تا قلبش. چند نفر در جهان - از سر ناچاری - در کریسمس هیچ غذای جشن یا هدیه ای ندارند. اما شاید "قلب کریسمس" آنها قوی تر از قلب ما می تپد.

چگونه کریسمس امسال را در خرسون و خارکف، مانند شهر غزه، تل آویو و بیت لحم جشن خواهند گرفت؟ ما امیدواریم که حداقل یک «معجزه کریسمس» دوباره در آنجا اتفاق بیفتد، مانند جنگ جهانی اول در سال 1914: هزاران سرباز آلمانی و انگلیسی در جبهه فرانسه و بلژیک از جنگ دست کشیدند، در سرزمین هیچ کس ملاقات کردند و جشن گرفتند. همدیگر جشنواره عشق - با تبادل هدیه، سرود خواندن و حتی بازی های فوتبال. اما معجزات بزرگ و دیدنی متأسفانه نادر هستند.

اما "قلب کریسمس" را نمی توان تنها در چنین معجزات بزرگی کشف کرد. دو روش خوب برای احساس کردن قلب خود وجود دارد: روش اول به این معنی است که آرام و بی حرکت باشید، خود را از تأثیرات بیرونی جدا کنید و روی ضربان قلب خود تمرکز کنید. همچنین می توانید نبض خود را احساس کنید یا دست خود را روی سینه خود قرار دهید. بنابراین می توانید چیزی را احساس کنید که قلب آنجاست، زنده است و کار می کند.

به روشی مشابه، می توانید «قلب کریسمس» را نیز کشف کنید: ساکت و آرام شوید، خود را از تأثیرات بیرونی آب و هوا، خلق و خو، زرق و برق و درخشش، بوی کباب کردن و افراد اطرافتان دور کنید. و سپس احساس کنید که این قلب کجا در سرزندگی و کارش احساس می شود: جایی که پیام صلح و عشق خدا منتقل می شود جایی که مردمی گرد هم می آیند که به او اعتماد می کنند و دعا می کنند و عمل می کنند و از این امانت کمک می کنند، جایی که شما نمی کنید. مسئولیت و سرزنش را به عهده دیگران بگذارید، بلکه تنفر و تحریک را رد کنید، و خودتان مسئولیت را بپذیرید، جایی که در بحرانها واکنشی سرنوشت ساز یا وحشت زده نشان نمی دهید بلکه هوشیارانه و هدفمند روی راه حلها کار می کنید، جایی که امید و اعتماد به نفس و برخورد قلبی گرم را در خود پرورش می دهید. به هر حال، این دلیل بزرگی است که من در کلیسا هستم و برای آن کار می کنم.

راه دیگری برای احساس کردن قلبتان این است که آن را تحت فشار زیادی قرار دهید - برای مثال هنگام انجام ورزش. همچنین می تواند در اطراف من بلند و متلاطم و ناراحت کننده باشد. این را می توان به «قلب کریسمس» نیز منتقل کرد: در استرس و مشاجره، در بحرانها و فجایع، گاهی اوقات می توانیم آنچه واقعاً در کریسمس مهم است را بهتر درک کنیم. عیسی در اصطبل با حیوانات به دنیا نیامد تا حالات عاطفی را تغذیه کند. او می خواست نشان دهد که برای کسانی که در پایین هستند نیز حضور دارد، به کسی اهمیت نمی دهد و به نحوه رفتار ما با او، یکدیگر و خلقش اهمیتی نمی دهد. اما او همه اینها را از طریق تظاهرات عظیم قدرت نشان نمی دهد. او این را با تبدیل شدن به یکی از ما نشان می دهد، زندگی مان را با شادیها و غمهایش تقسیم می کند و با هر آنچه که هست، دارد، می گوید و می کند به ما نشان می دهد که با همه چیز چقدر خدا ما را با شور و اشتیاق دوست دارد.

شرایطی که تحت آن شخصاً کریسمس را جشن می گیریم دیگر چندان مهم نیست. ما می توانیم "قلب کریسمس" را هم در زیر فشار و شلوغی و هم در سکوت و آرامش احساس کنیم. نکته اصلی این است که ما متوجه می شویم که چگونه قلب خدا برای ما می تپد. آمین